

بهار در دیار آذربایجان

اینجا آذربایجان ، اینجا تبریز است ... مهد فرهنگ و هنر و تمدن ... سرزمینی که هر خانه‌اش گوهری از علم و ادب و عرفان را در خود جای داده ...



به گزارش **خبرنگاری فارس** از تبریز، اینجا آذربایجان ، اینجا تبریز است ... مهد فرهنگ و هنر و تمدن ... سرزمینی که هر خانه‌اش گوهری از علم و ادب و عرفان را در خود جای داده ... جایی که شمس مولانا را پرورده و هنوز هم اینقدر برکت دارد که ستاره‌های دیگری را به آسمان درخشان ایران اضافه کند. یاد باد روزگاری که شهریار شیرین سخن هم از آن یاد کرده بود. روزگارانی که مردم جمع می‌شدند دور هم و از رنگ‌های بهار وام می‌گرفتند و گل سرخ برای گرم شدن فضای زندگی شان بر دیوارها و طاق‌ها می‌کوبیدند و بر آن از امید و نور نقش می‌زدند... یاد باد طاقچه‌هایی که ساده اما زیبا تزئین می‌شد با چیدنی‌های محلی و خبر می‌داد که بهار آمد ... بایرام یئلی چارداخلاری بیخاندانوروز گولی، قار چیچکی، چیخاندآغ بولوتلار کؤینکلرین سیخاندالینک بهار ... در سرزمینی که باد توفنده‌اش هم نسیم رحمت است و شمیم گل‌های دشت و کوهش سرمست می‌کند هر آگاه دلی را، گل‌های سپید باز می‌شوند تا بگویند بهار آذربایجان با سپیدی و پاکی همراه است و این پاکی نه تنها در دل مردم بلکه در دشت و دمن پراکنده است ... بهاری دیگر می‌رسد و روان آگاه دلان را همچون همیشه سرشار از طراوت می‌کند ... آمدن هر بهار را باری دیگر به فال نیک بگیریم و بدانیم هنوز خداوند آنقدر دوستمان دارد که فرشتگانش را برای آذین‌بندی زمین می‌فرستد. بیزدن ده بیر ممکن اولسا یاد ائله‌آچیلیمیان اورکلری شاد ائله‌در این روزهای شیرین و مبارک، یاد آنانی را که نیستند و همیشه یادشان با ما و نامشان ورد زبانمان است یاد باد؛ یاد مردم خوب ارسباران، مردم ورزقان و هریس و اهر و کلیبر و بسیاری از شهرها و روستاهای آذربایجان که این بهار را هم بدون نگاه مهربانشان تحویل کردیم، یاد باد... تبریز و آذربایجان زیبایمان همانند سراسر ایران زمین مهمان بهار و بهار دوستان خواهند بود تا نشان دهند از پس هر غصه‌ای، راحتی خواهد رسید و سرمای زمستان، هیچ گاه دائمی نمی‌ماند، تا ببینند لطف خدا در این سرزمین بی‌انتهای بوده و هست ... سال می‌رسد و فال خوش می‌شود و مال وافر می‌گردد و حال نیکو؛ سپاس یزدان را که اصل را ثابت داشت و نسل را باقی و بخت را در همراهی با ما رام ساخت. نوروزی دیگر از راه رسیده. با ترانه باران، با هزار هزار امید و آرزو... مردمان دیار آذربایجان، مردمان تبریز، این شهر اولین‌های ایران، بهترین آرزوها را برای هموطنان خود در جای جای ایران زمین از خداوند منان طلب می‌کنند و امیدوارند این بهار سرمه چشم از غبار کفش مهمانان عزیز نوروزی کنند. شهر شعر و شهریار و دلاوران مشروطه، هنوز چشم به راه مهمانان خود است

نگارنده: فرینوش اکبرزاده